

بررسی اجمالی

موانع فرهنگ‌سازی برای عبور از

«بحران کاهش جمعیت»:

هجمه «ساختارهای فرهنگ‌ساز

مادّی و سنّتی» به

«هویت مادری و فرزندآوری»

برگرفته از مباحث پژوهشی مرحوم علامه آیت‌الله سید منیرالدین حسینی الهاشمی و

مرحوم حجة الاسلام والمسلمین استاد مسعود صدوق

خردادماه ۱۴۰۱





واحد خواهران حسینیہ اندیشہ

سرپرست واحد خواهران: ۰۹۱۲۵۵۱۰۶۸۹

 Khaharanhosseinihandisheh

<https://hosseinihandisheh.ir>

 @HossinieHandisheh

ارتباط از طریق پیام‌رسان‌ها: ۰۹۱۹۸۲۸۶۹۶۴

اکنون که خطر پیری جمعیت، ما را در معرض «آینده هولناک» قرار داده و «چاره‌جویی برای نجات کشور» را به امری ضروری تبدیل کرده و باعث شده تا مقام معظم رهبری در کنار «تدابیر قانونی»، بر «فرهنگ‌سازی در فضای عمومی» تأکید کنند، فعالان این عرصه نمی‌توانند از این موضوع مهم چشم‌پوشند: «شناخت دقیق از عواملی که برای کاهش جمعیت و زادولد فرهنگ‌سازی می‌کنند». در واقع حمایت از خانواده و هویت مادری و به تبع فرزندآوری، در معرض تهدید از سوی ساختارهایی فرهنگ‌ساز است که بدون شناسایی آنها حتی تلاش‌های مخلصانه و جهادی نیز اثربخشی چشم‌گیری نخواهند داشت و خطر کاهش جمعیت را برطرف نخواهند کرد.

به نظر می‌رسد مهم‌ترین عامل ساختاری که فرهنگ افزایش جمعیت را تهدید می‌کند و هویت خانواده و مادری را به خطر می‌اندازد، «هویت تحصیل و اشتغال مادی» و لوازم آن است که از تمدن مُدرن برخاسته و در عمل، تعریف اعتبار و آبروی اجتماعی را به دست گرفته و در کشور ما نیز به پذیرش رسیده است. این ساختار فراگیر، هویت اصلی و محوری زنان را (همانند مردان) به قبول مسئولیت در تولید ثروت و افزایش تولید ناخالص ملی تعریف می‌کند و در نتیجه، حریم و تفاوت بین مرد و زن را از بین می‌برد و تساوی جنسیتی را به یک معیار تبدیل می‌کند. در این صورت، جامعه زنان به خروج از انفعال و نقش‌آفرینی در صحنه رشد فردی و توسعه اجتماعی دعوت می‌شوند تا همپای مردان و از طریق اشتغال، احساس رشد و مشارکت اجتماعی پیدا کنند. اما آراستن چنین صحنه‌ای و تنظیم چنین میدانی برای مسابقه چه لوازمی دارد؟! جز این‌که زنانی که مادر می‌شوند و فرزندآوری می‌کنند، در رقابت با مردانی که چنین تعلقات و وظائفی ندارند قرار بگیرند؟! و همانند دو دونه‌ای شوند که یکی وزنه‌ای سنگین به پا دارد و دیگری آزاد و رها به پیش می‌رود؟! روشن است که در این طراحی، پذیرش هویت مادری و فرزندآوری، امکان رقابت مادی زنان با مردان را از بین می‌برد یا سرنوشتی جز شکست برای زنان در پی نمی‌آورد و یا در دنیای پرسرعت سود و بهره‌وری، میزان عاملیت و تاثیرگذاری آنها در کسب ارزش افزوده اقتصادی را کاهش می‌دهد و همواره آنها را از قله‌ها دور می‌کند و به رتبه‌های میانی می‌فرستد. در چنین فضایی که حاکم بر فرهنگ زندگی شده، واضح است که هویت مادری و فرزندآوری عملاً نه تنها ارزش اجتماعی محسوب نمی‌شود و اعتبار و آبرو نمی‌آفریند بلکه منشأ احساس سرخورده‌گی و عقب‌ماندگی از توسعه خواهد شد.

زنان مسلمان ایران طبعاً علاقه‌مندند تا با رجوع به هویت دینی خود، سدی ایمانی و انسانی در مقابل این سیل ویرانگر ایجاد کنند اما عملاً با واقعیتی به نام فهم سنتی از دین مواجه می‌شوند که رخنه‌هایی بزرگ در این سد ایجاد می‌کند؛ فهمی از دین که نه تنها تعریف روشنی از تکامل اجتماعی ندارد و مسئولیتی نسبت به آن نمی‌پذیرد و زنان و مردان را برای حضور دینی در این

عرضه تنها می‌گذارد، بلکه هویت خانواده و مادری و فرزندآوری را نیز به صورت منفعل، بریده از تکامل اجتماعی، یک‌طرفه و مطلقاً تحت مولویت مرد تعریف می‌کند. لذا این نوع فهم از دین، ساختاری سنتی و بسیط اما نسبتاً قدرتمند را بوجود می‌آورد که با خلع زنان از حضور و مشارکت در تکامل اجتماعی و حتی خانوادگی و ایجاد بحران هویتی برای آنان، به لبه دیگر قیچی تبدیل می‌شود و همانند ساختار «اشتغال و تحصیل مادّی»، در تنور فرهنگ‌سازی برای تضعیف خانواده و مادری و فرزندآوری می‌دمد و آن را پر حرارت‌تر می‌کند!

پس باید پذیرفت که «هویت مادری و فرزندآوری» از سوی هویت «تحصیل و اشتغال مادّی» - که یک هویت عینی و کاربردی و اجتماعی است - مورد حمله و هجمه قرار گرفته و از آنجا که فهم سنتی از دین مانع تبدیل هویت مادری به یک هویت اجتماعی و ساختارمند و کاربردی شده و مراجعه مومنین برای نسخه عملی جایگزین را بی‌پاسخ گذاشته، منزلت مادری ضربه‌پذیرتر شده و لذا نه تنها عموم جامعه زنان بلکه بخش قابل توجهی از زنان متشرّع نیز علی‌رغم ایمان و اعتقاد به فرزندآوری، انگیزه‌ای برای این مهم ندارند. چون در این صورت ناچارند تحقیر اجتماعی را بپذیرند. بنابراین چالش کاهش جمعیت یا تزلزل خانواده را صرفاً نباید یک شبهه معرفتی و اعتقادی دانست بلکه باید آن را در چارچوب یک شبهه عینی و عملی صورت‌بندی کرد تا زمینه برخورد صحیح و مواجهه ساختاری با آن فراهم شود.

بر این اساس، افزایش نسل و عبور از خطر کاهش جمعیت زمانی امکان عینی پیدا می‌کند که: الف) با تحوّل در الگوی تحصیل و اشتغال مادّی و ب) با تغییر در فهم سنتی از دین، «نقش مادری در خانواده به عنوان سلول جامعه» و «نقش زن در جامعه»، هویتی «عینی و کاربردی» بر مبنای دین پیدا کند و متناسب با ویژگی تکوینی مختص به خود، نقشی واقعی در پیشرفت و تکامل جامعه برای آن تعریف شود و منشأ اعتبار و آبروی اجتماعی قرار گیرد. طراحی این هویت اولاً نیازمند توجه به این نکته است که تفاوت تکوینی زن و مرد قابل انکار نیست بلکه مردان در وصف «اقتدار» و زنان در وصف «عاطفه» دارای بیشترین توانمندی هستند. لذا تعادل انسانی، وابسته به ترکیب متناسب بین این دو وصف است که باید منجر به «تعادل جنسیتی» (و نه تساوی جنسیتی) در خانواده شود. ثانیاً باید توجه داشت که اگر زن دارای عواطف قوی است و نیاز بشر به عواطف مادرانه قابلیت انکار ندارد، نمی‌توان از بروز اجتماعی این واقعیت چشم پوشید بلکه باید پذیرفت که «سرپرستی عواطف اجتماعی»، هم کاری منحصرراً زنانه است و هم شدیداً صبغه اجتماعی دارد. در این صورت، انقلاب اسلامی و فهم دقیق آن از دین به جای آن‌که ناجوانمردانه با همان فهم سنتی از دین یکسان شمرده شود، به ابزارهای مفهومی و عینی لازم در جهت تحقق «الگوی سوم زن» (نه شرقی، نه غربی) در خانواده و جامعه دست خواهد یافت.

برای ایجاد تغییر مستدلّ در فهم سنتی از دین باید توجه داشت که احکام شرعی مربوط به زنان (از عفاف و حجاب تا مادری و همسری و...) گرچه همگی تشریح قدسی و نورانی شارع مقدس محسوب می‌شوند اما به ظنّ قوی، باید به تبع و ذیل دو حکم اعتقادی دیگر جای بگیرند که محور همه احکام است و می‌توان از آن به «توسعه وحدت کلمه و محبت اجتماعی بر محور اسلام» و «درگیری با دستگاه کفر و نفاق برای دفاع از پرستش اجتماعی خدای متعال» تعبیر کرد. در این صورت، تکالیف شرعی به یکسری الزامات فردی که قابل جمع با شرایط اجتماعی کافرانه یا منافقانه هستند، محدود نمی‌شوند بلکه ساخت جامعه مومنانه و درگیری با مراکز تولید اعتقادات باطل و رفتارهای نابهنجار به عنوان حکم حاکم بر همه احکام، به امری عینی و ملموس تبدیل می‌شود که منشأ تغییر و پویایی در روابط اجتماعی است. کما این که نگاهی دوباره به زندگی رسولان الهی، همین واقعیت را تأیید می‌کند و پیکربندی سوره‌های قرآن را - که حاکی از ایجاد حبّ و همدلی در میان خداپرستان و درگیری دائمی انبیاء با ائمه‌ی کفر و نفاق است - توضیح می‌دهد. در این صورت، همه احکام از جمله احکام خانواده و جامعه بر این محور تحلیل شده و به ابزاری برای ارتقاء آن وحدت کلمه و پیش برد این درگیری تبدیل می‌شوند؛ چرا که وحدت کلمه مومنین، مظهر اجتماعی «حبّ خدای متعال و اولیاء او» است و درگیری با دشمنان، نمود جمعی «بغض دشمنان خدای متعال» است که طبق معارف دینی، محکم‌ترین ریسمان ایمان تلقی شده است. در نتیجه، هویت خانوادگی و اجتماعی زنان و مردان در مبنای خود، به نقش‌آفرینی و مشارکت در ساخت و ارتقاء دائمی این وحدت اجتماعی و توسعه درگیری با دشمنان آن تعریف می‌شود.

البته برای حرکت به سمت کاربردی کردن رویکرد فوق نمی‌توان به این تکلیف عمومی و هویت عام اکتفا کرد. چون هنگامی که این تکلیف متوجه هر یک از جامعه مردان یا جامعه زنان می‌شود، تعیین و خصوصیتی متفاوت پیدا می‌کند تا از این طریق، تفاوت‌های تکوینی بین این دو جنس رعایت شده باشد. کما این که در یک درگیری نظامی نیز گرچه همه بخش‌های یک لشکر هدفی جز پیروزی و عقب‌راندن دشمن ندارند، اما هر یک از بخش‌ها از نیروی انسانی و تجهیزات مکانیزه تا توپخانه و مخابرات و... وظیفه‌ای متفاوت بر دوش دارند که به دلیل سنخ و ماهیت و ساختار مختلف آنها، از بخش دیگر بر نمی‌آید. لذا باید پذیرفت که مردان و زنان در دفاع از وحدت کلمه اسلام در برابر طاغوت‌های سیاسی و فرهنگی و اقتصادی، نقش و هویت و وظیفه‌ای بر عهده دارند که تحقق آن توسط جنس مخالف ممکن نیست.

برای بیان تفاوت فوق‌الذکر می‌توان این گمانه را برجسته کرد که به حسب قابلیت‌های تکوینی، مردان مظهر اعمال قدرت و اقتدار و زنان مظهر ابراز محبت و عطوفت و ظرافت هستند و همان‌طور که در تغییرات اجتماعی، مدیریت عزم‌ها و اراده‌ها و تجمیع قدرت‌ها لازم است، مدیریت عاطفه‌ها و متمرکز کردن آنها در موضوعات خاص نیز ضرورت دارد. یعنی هویت کاربردی زن و خانواده، بر محور «مدیریت عواطف اجتماعی» برای ایجاد وحدت کلمه بین مومنین و تقابل با دستگاه

طواغیت شکل می‌گیرد که از مدیریت عواطف جامعه زنان (مدیریت زن بر زن) آغاز می‌شود و در تاثیرگذاری بر عواطف کل جامعه امتداد می‌یابد. کما این‌که در خانواده نیز «کفویت ایمانی» بر همین اساس بازتعریف می‌شود و همان‌طور که هویت مرد به تبع نقش و میزان تاثیر در درگیری بین نظام کفر و نظام ایمان شکل می‌گیرد، تولی زن به ولایت مرد نیز نه به صورت مطلق بلکه بر محور این درگیری و نقش عاطفی او در این عرصه معنا پیدا می‌کند.

متناسب با تحلیل فوق است که می‌توان احتمال داد ملقب شدن حضرت صدیقه طاهره (س) به «سیده نساء العالمین من الاولین و الآخنین» نیز ناظر به مقام سیادت بر جامعه زنان و رهبری عواطف آنان در طول تاریخ است؛ کما این‌که این رهبری و سیادت را در زمان خود نیز محقق کردند و با شکستن معیارهای مادی و جاهلی حاکم بر زنان مدینه، رهبری آنان را به دست گرفتند و عواطف آنان را در جهت پشتیبانی از نهضت نبوی هدایت فرمودند و با ایثار و زهد معجزگون خود، روحیه همراهی و صبر و مقاومت را در برابر عوارض مختلف جنگ‌های پرشماری که در طول ده سال از حکومت نبوی رخ داد، به بانوان مدینه منتقل کردند. عظمت این افعال مقدس به گونه‌ای است که با گذشت قرن‌ها، قلب و روح زنان مسلمان ایران را نیز فتح کرد و بانوان نمونه ایرانی نیز به آن اقتدا کردند و با فداکاری در برابر فشارهای ناشی از انقلاب و دفاع مقدس، ابتدا عموم زنان جامعه را در مسیر حضرت امام (ره) قرار دادند و سپس از این طریق، تاثیر عاطفی بزرگی بر مردان ایران و کل جامعه برجای گذاشتند تا جمهوری اسلامی در برابر طوفان هجمه‌ها و حمله‌های ابرقدرت‌ها باقی بماند. همه این فتوحات در حالی بود که تمامی موانع پیش‌گفته در برابر جامعه زنان وجود داشت اما انقلاب اسلامی توانست وجدان فاطمی زنان ایران را به عرصه عمل بکشانند و برای آنها «هویتی عینی و کاربردی» ایجاد کند. چرا که حضرت امام (ره) محور حرکت و رشد و تکامل جامعه ایران را وحدت کلمه در درگیری با کفر جهانی قرار دادند و دفاع مقدس را - علی‌رغم این‌که عرصه‌ای نظامی بود - به ابزاری برای ایجاد و ابداع این هویت فرهنگی تبدیل کردند؛ هویتی که هنوز پس از چند دهه، به آن افتخار و از آن الگوگیری می‌شود.

در دوران حاضر نیز که به تصریح مقام معظم رهبری مهمترین مواجهه کفر جهانی با نظام اسلامی در «عرصه اقتصاد» رقم خورده، باید با ارائه بصیرت اقتصادی نسبت به توسعه‌ی غربی و اقتصاد سرمایه‌داری و کیفیت هجمه‌ی آن به اقتصاد جمهوری اسلامی، هندسه جدیدی از نحوه مقابله با جنگ اقتصادی دشمنان ترسیم شود و بر این اساس، فضای جدیدی برای مقابله عاطفی با تهدید اقتصادی خارجی و داخلی برای جامعه زنان فراهم بیاید و جایگاه نوینی برای عواطف در اقتصاد ملی تعریف گردد تا احساس هویت عینی و کاربردی برای بانوان ممکن شود. در این صورت، دفاع مقدس اقتصادی همانند دفاع مقدس نظامی به عرصه‌ای برای احساس حضور و مشارکت انقلابی زنان تبدیل خواهد شد و بالتبع نهادها و ساختارهای فرهنگ‌ساز جدیدی پدید خواهد آمد که قدرت ساختارهای مادی و سنتی را کاهش خواهد داد و زمینه‌ای واقعی برای تحقق «الگوی سوم زن» و فرهنگ‌سازی نسبت به هویت مادری و فرزندآوری را ایجاد خواهد کرد. در واقع تا «هویت مادری و فرزندآوری» تبدیل

به یک هویت کاربردی و ارزش اجتماعی (و نه صرفاً اعتقادی و فردی) نشود، نمی‌توان عموم جامعه زنان را با صرف نصیحت و موعظه و تکیه به امور اعتقادی، به «فرزند آوری و قبول منزلت مادری» تحریک کرد چرا که هجده‌های ساختاری و عوامل فرهنگی‌ساز بر ضد این هویت، میدان و امکان عمل را تا حدود زیادی از آنان سلب می‌کند.

حسینیه اندیشه در این راستا و متناسب با مقدمات خود، به پیشنهادهایی برای «ترسیم جدید از هجده اقتصاد سرمایه‌داری به اقتصاد جمهوری اسلامی» و «طراحی هندسه‌ای نوین برای مقابله با این هجده» و «نقش زنان و عواطف آنان در این عرصه» دست یافته که در کتاب «منزلت زن در نظام اسلامی» و دو سلسله بحث «عفت و عطوفت انفعالی یا عفت و عطوفت انقلابی؟!» و «امتداد نهضت فاطمی در جنگ اقتصادی» تبیین و منتشر شده و کارگاه‌های آن توسط واحد خواهران حسینیه در حال برگزاری است.